



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۰/۰۳/۱۷

فردوس

آیا افغانستان طرفدار پاکستان شکل می گیرد؟

عمران خان نخست وزیر پاکستان، در سخنرانی ای خطاب به مردمان مناطق قبیله نشین هم مرز با افغانستان گفته است که به زودی جنگ در افغانستان خاتمه می یابد و حکومتی در آن جا تشکیل می شود که از همه گروه ها نماینده گی خواهد کرد. او گفت، «برادران ما در افغانستان در صلح زنده گی خواهند کرد.» منظور عمران خان بدون تردید این است که طالبان و گروه های دیگر در آینده در افغانستان حکومت مشترک خواهند داشت. او از قید «به زودی» استفاده کرد و گفت که جنگ افغانستان به پایان می رسد و حکومتی به میان می آید که بتواند از همه گروه ها نماینده گی کند. عمران خان نخست وزیر است که سخت به ارتش و استبدادشمنان پاکستان نزدیک است. هیچ نشانه ای تا حال دیده نشده است که بر اساس آن حدس بزنیم که سیاست ارتش پاکستان در قبال افغانستان تغییر کرده است.

جنرال های پاکستانی می خواهند یک حکومت طرفدار پاکستان در افغانستان روی کار بیاید. به تعبیر دیگر، آنان می خواهند یک افغانستان مخالف هند ایجاد کنند. این خواست حداکثری جنرال های پاکستانی است. در ادبیات دانشگاهی نظامی این خواست پاکستانی ها را «جست و جوی عمق استراتژیک» تعبیر می کنند. به بیان دیگر، ارتش پاکستان می خواهد افغانستان به عمق استراتژیک این ارتش، از دید سیاسی و ایدئولوژیک بدل شود. آنان افغانستانی می خواهند که در رویارویی هویتی، مذهبی و حتا نظامی با هند به دردمان بخورد. بنا بر این می توانیم حکم کنیم که جنرال های پاکستانی می خواهند افغانستان را در سطح مستعمره شان تقلیل دهند. خواست حد اقلی جنرال های پاکستانی این است که پاکستان چنان در مناسبات قدرت افغانستان نفوذ تعیین کننده داشته باشد که بتواند بر روابط کابل و دهلی و سیاست گذاری ای نظامی و اقتصادی افغانستان اثر بگذارد.

مقام های پیشین امنیتی افغانستان که مذاکرات محرمانه با ارتش و استخبارات پاکستان داشته اند، به این امر گواهی می دهند. یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر پاکستان در سال ۲۰۱۰ به همراهی فرمانده وقت ارتش پاکستان جنرال اشفاق کیانی به کابل آمد و بسته ای از اوراق جلد شده را در اختیار حامد کرزی گذاشت. در این اوراق خواست های پاکستان از افغانستان درج شده بود که عمده ترین آن ها تنظیم روابط کابل و دهلی نو به خواست پاکستان بود. اخیراً بارنت روبین، افغانستان شناس امریکایی که برای اداره ای اوپاما کار می کرد، نوشته است که پاکستان برای رسیدن به پنج هدف مهم دست اتحاد به طالبان داده است. به نوشته روبین ۱- خروج نیروهای امریکایی از افغانستان؛ ۲- کاهش روابط کابل-دهلی نو؛ ۳- به دست آوردن امتیاز دسترسی به آسیای میانه از طریق افغانستان؛ ۴- به دست آوردن امتیاز تقسیم منابع آبی؛ و ۵- رسمی ت یافتن مرز دیورند، اهدافی است که پاکستان می خواهد از طریق حمایت از طالبان به آن ها برسد.

اگر این اهداف آن طوری که پاکستان می خواهد برآورده شود، روشن است که افغانستان در حد یک ایالت پاکستان تقلیل می یابد. جنرال های پاکستانی تصور می کنند که حضور نظامی امریکا در افغانستان سبب گسترش نفوذ هند در کابل و کاهش نفوذ اسلام آباد شده است. آنان می خواهند هرچه زودتر امریکایی ها بیرون شوند تا پاکستان دست به اقداماتی بزند که نفوذ مخربش در مناسبات قدرت افغانستان افزایش یابد. دشمنی هند و پاکستان از دید بسیاری از محققان، ایدئولوژیک، هویتی و مذهبی است. از طرف دیگر «هند هراسی» هم بخشی از تفکر پاکستان است. این تفکر سبب شده است که پاکستان از حضور دیپلماتیک هند در قندهار، جلال آباد و حتا زاهدان ایران احساس خطر کند. پاکستان شاید تصور می کند که با خروج نیروهای امریکایی و تقویت نفوذ نا متعارف پاکستان در روابط قدرت افغانستان، حضور دیپلماتیک هند هم به پایان می رسد.

با دسترسی پاکستان به آسیای میانه، هیچ حکومتی در افغانستان مشکل نداشته است؛ اما پاکستان حاضر نیست که اجازه دهد افغانستان از طریق قلمروش به هند دسترسی تجاری داشته باشد. پاکستان می خواهد بدون در نظر

گرفتن منافع متقابل، در نقش یک قدرت استعماری قرن نوزدهمی ظاهر شود و از افغانستان امتیاز یک جانبه‌ی دسترسی به آسیای میانه را به دست آورد. مذاکره روی تقسیم آب رودخانه‌های مشترک بین دو کشور هم چیزی نیست که کابل مخالف آن باشد. کابل حتا حاضر است که پاکستان و افغانستان به صورت مشترک سرمایه‌گذاری کنند و روی رودخانه‌ی کنر یک سد تولید انرژی بسازند تا مردمان هر دو کشور از آن سود ببرند؛ اما به نظر می‌رسد که پاکستان در این قسمت هم امتیازهای نامشروع می‌خواهد و چندان منافع افغانستان را در نظر نمی‌گیرد.

معضل مرزی می‌ان دو کشور هم امری نیست که قابل انکار باشد. کابل خط دیورند را به عنوان مرز رسمی می‌ان افغانستان و پاکستان قبول ندارد، اما افغانستان هیچ‌گاه رسماً به پاکستان ادعای ارضی نکرده است. افغانستان هیچ‌گاهی دست به ماجراجویی نظامی هم نزده است. در جنگ‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ هند و پاکستان هم، افغانستان بی‌طرفی کامل اختیار کرد. در سال ۱۹۷۱ بیش‌تر نیروهای نظامی پاکستان از ایالت‌های هم‌مرز با افغانستان خارج شدند و به بنگال رفتند تا با جنبش جدایی طلب بنگالی‌ها بجنگند. در آن زمان افغانستان دست به هیچ‌نوع ماجراجویی ن‌زد، بی‌طرفی کامل اختیار کرد و خواستار حل مشکل بنگال از راه دیپلماسی شد. پس از ختم جنگ ذوالفقار علی بوتو، نخست‌وزیر وقت پاکستان، به کابل آمد و از مقام‌های وقت افغانستان بابت بی‌طرفی‌شان در جنگ بنگال ابراز امتنان کرد. اسناد ملاقات بوتو با مقام‌های وقت کابل و ابراز امتنان او در آرشیف وزارت خارجه‌ی افغانستان موجود است.

آن‌چه که افغانستان در گذشته انجام می‌داد، حمایت از سیاست‌های هویت‌طلبانه‌ی پشتون‌های ایالت‌های شمال غربی هند بریتانیایی و بعد پاکستان بود. پشتون‌های هویت طلب ایالت مرزی شمال‌غربی هند بریتانیایی، در تعاملاتی که منجر به تشکیل پاکستان شد، دخیل نبودند. آنان پس از تشکیل کشوری به اسم پاکستان که ایالت مرزی شمال غربی هند بریتانیایی هم جزء آن شد، خواستار خودمختاری بیشتر ایالتی، رسمی‌ت یافتن هویت پشتونی و ارتقای زبان پشتو تا سطح زبان رسمی ایالتی بودند. این سیاست مداران هویت طلب که در راس آنان خان عبدالغفار خان قرار داشت، هشدار می‌دادند که اگر در چارچوب نظم فدرالی پاکستان به خواست‌های هویتی و سیاسی خود نرسند، علم استقلال خواهی بلند می‌کنند. کابل در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ از داعیه‌ی جنبش هویت طلب پشتونی به رهبری خان عبدالغفار خان حمایت می‌کرد. واقعیت این بود که پشتون‌های پاکستانی در آن زمان زیاد مشکل داشتند. تازه شش سال است که نام ایالت سرحد شمال غربی به پشتون‌ها تغییر کرده است. قبل از آن به این ایالت «صوبه سرحد» می‌گفتند که هیچ‌توجیه فرهنگی نداشت. پشتون‌های هویت طلب پاکستان امروز به برخی از خواست‌های مهم خود رسیده‌اند. ای‌که آیا حمایت از یک گروه هویت طلب در قلمرو یک کشور دیگر از نظر عرف حاکم بر روابط دولت‌ها امری مشروع است یا نامشروع، موضوعی قابل بحث است، اما چیزی که روشن است، این است که افغانستان هیچ‌گاه با پاکستان به بهانه‌ی مشکل مرزی وارد جنگ نشده است. ولی پاکستان می‌خواهد که افغانستان بدون دریافت کدام امتیاز، به رسمی‌ت خط دیورند اذعان کند.

آیا عمران خان و مجموع استبلشمنت پاکستان به این نتیجه رسیده‌اند که پس از پایان جنگ امریکا و طالبان حکومت طرفدار اسلام آباد در افغانستان روی کار می‌آید؟

آیا گفته‌های اشرف غنی مبنی بر این که معاهده‌ی جدید گندمک را امضا نمی‌کند، به همی‌ن موضوع ربط دارد؟ آیا واقعاً وضعیت به سمتی می‌رود که صرف به سود پاکستان باشد و هند بیازد؟ آیا دهلی‌نو واکنشی نشان نخواهد داد؟ این سوال‌ها خیلی جدی است و تا زمانی که مذاکرات امریکا و طالبان به نتیجه‌ی روشن نرسد، کسی نمی‌تواند قاطعانه جواب بدهد. اما تحولات اخیر در روابط پرتنش هند و پاکستان، تغییر فرهنگ سیاسی هند و تضاد منافع کشورهای منطقه و نیروهای داخلی، نشان دهنده‌ی آن است که اگر تحولات در جهت منافع پاکستان مسیر داده شود و منافع بازی‌گران دیگر از جمله افغانستان در نظر گرفته نشود، پایان جنگ متصور نیست.

با سپاس از روزنامه هشت صبح